



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرفه بريته محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الأرضين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

در دعای حضرت آمده که: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ.

این مطلب، مطلب بسیار مهمی است که اگر بخواهیم تفصیلاً وارد این مطلب بشویم، روایات زیادی را در اصول کافی و غیر اصول کافی باید بخوانیم. و در آن روایات تأمل کنیم و تدبّر کنیم. اما بنده محصل مطلب را عجالتاً عرض می‌کنم و تفصیل مطلب موكول هست به جای خود.

امامی را که خداوند متعال نصب می‌کند برای هدایت خلق، این امام قبل از نصب، خداوند متعال او را تربیت می‌کند و برای امامت مهیا می‌کند. آنچه را که عرض می‌کنم در باب امام و امامت، دقیقاً در نبوت و نبی موجود هست. خداوند متعال امام را به تعبیر ما بار می‌آورد به آن طوری که لازم هست برای تحمّل مقام امامت. این مفاد روایات است. نه یک روایت روایاتی در این باب داریم. این یک مطلب.

مطلب دوم این است که: یک نحوه ارتباطی فیما بین خدا و امام وجود دارد که این ارتباط قبل از امامت است و بعد از امامت هم ادامه دارد.

در اصول کافی عجالتاً این روایت را می‌خوانم. در اصول کافی بابی داریم: باب الروح التي يسددها الله به الأئمة (عليهم السلام).

از جمله روایاتی که در این باب هست می‌خوانم که امام صادق علیه الصلاة والسلام راجع به این روح که همراه امام هست امام را تسدید می‌کند که قبل از امام عرض کردم این روح همراه نبی هم هست یا بوده.

امام علیه الصلاة والسلام می‌فرمایند: خلق من خلق الله عز وجل أعظم من جبرئيل وميكائيل، كان مع رسول الله صلى الله عليه وآله يخبره ويسدده وهو مع الأئمة من بعده.

این یک مخلوقی است که خداوند متعال خلق کرده که اعظم از جبرئیل و میکائیل. این مخلوق قبل از ائمه همراه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است و مسدد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بوده و از عالم ملکوت است نه از عالم ملک. و بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همراه ائمه علیهم الصلاة والسلام است.



اینکه عرض کردم مطلب بسیار مهمی است و بحث زیادی دارد، باز هم سؤال پیش می‌آید که این روح چه موجودی است؟ تسدید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی چه؟ ائمه علیهم الصلاة والسلام بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی چه؟

علی‌ایّ حال، یک نحوه به تعبیر بنده ارتباطی بایستی بین خداوند متعال و امام علیه الصلاة والسلام در هر آن وجود داشته باشد که امام در این عالم اراده خداوند متعال را تحقق می‌بخشد. مشیت خداوند متعال را تحقق می‌بخشد. باز از آن یک بایست که: ما یشاؤون الا ما یشاء الله.

در زیارت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، همین زیارتی که ما هر روز موظف هستیم بخوانیم و به توسط این زیارتنامه ارتباطمان را با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ کنیم، و در واقع مناجاتی است با امام علیه الصلاة والسلام، در آنجا یکی از اوصاف ولیعصر: السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته. این چه معنایی دارد که امام دلیل اراده باری تعالی است؟

این‌ها شرح می‌خواهد این‌ها در جای خودش باید رسیدگی بشود و بررسی بشود کاملاً. اجمالاً این نحوه رابطه‌ای که وجود دارد بین امام علیه الصلاة والسلام و خداوند متعال قبل از امامت و بعد از امامت. به تعبیر امام سجّاد علیه الصلاة والسلام بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ.

حبل در لغات عرب همین است که در فارسی گفته می‌شود طناب. شما به توسط یک قطعه طناب دو چیز را به هم مرتبط می‌کنید. یک سر طناب را به این شیء می‌بندید یک سر طناب را به یک شیء دیگر می‌بندید. آن دو شیء به توسط این طناب به هم مرتبط شده‌اند. این معنای حبل است. و همه درک می‌کنند این قضیه را که وجداناً همینطور است.

امام علیه الصلاة والسلام از طرفی مرتبط است به خداوند متعال، از طرفی رابط بین ما و خداوند متعال است. به توسط امام علیه الصلاة والسلام ما متصل می‌شویم به خداوند متعال. اما امام علیه الصلاة والسلام قبل از اتصال ما متصل است به او.

کلمه حبل هم در کتاب آمده و هم در سنت.

در قرآن مجید این آیه معروف است: وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. معلوم می‌شود که حبلی وجود دارد که این حبل البتّه حمل مادی که نیست. بلکه ارتباط وجود دارد. آن ارتباط معنوی ازش تعبیر شد به حبل. از باب تشبیه معقول به محسوس. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.



اون وقت سؤال می‌شود **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** این حبلی که مأمور شده‌ایم ما به آن تمسک کنیم **وَأَعْتَصِمُوا**، این حبل چیست؟ حبل خداوند متعال آیا قرآن است؟ قطعاً قرآن هست بدون هیچ اشکالی اما در کنار قرآن اهل بیت علیهم الصلاة والسلام هستند.

به چه دلیل؟

به دلیل اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن وقتی که امر کردند ما را به تمسک که در واقع این امرشان وصیتشان بوده وصیت کردند که تمسک کنید کتاب و عترت و اهل بیت من. در برخی از روایات از کتاب و عترت تعبیر شده است به حبلین.

و از آن طرف در کتب فریقین آمده در ذیل آیه **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**، در کتب فریقین از امام صادق علیه الصلاة والسلام روایت شده است که فرمودند نحن حبل الله.

اگر بخواهیم تفرق نداشته باشیم، اگر بخواهیم در مقابل دشمنان متحد باشیم، اگر بخواهیم اسلام بر کفر پیروز شود در همه میادین، بایستی به وصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمل کنیم. که فرمودند تمسک کنید به حبلین. تمسک کنید به خلیفتین کتاب و عترت.

علی‌ای حال آن نکته دقیق فراموش نشود که عرض کردم کار بیشتری لازم دارد که این چگونه است که امام علیه الصلاة والسلام دلیل اراده خداوند متعال است؟ مشیت امام علیه الصلاة والسلام مشیت خداست؟ امام علیه الصلاة والسلام به جز مشیت خداوند متعال مشیتی ندارد و اگر بخواهیم اراده خداوند متعال را کشف بکنیم باید ببینیم امام علیه الصلاة والسلام چه فرموده است؟ امام علیه الصلاة والسلام چه کردند؟ این چیزی است که احتیاج به بحث بیشتری دارد.

وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكِ. جَعَلَ الْهِيَ اسْت. امام را خداوند متعال جعل کرده است الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكِ. ذریعه در لغت عرب یعنی: وسیله.

این جمله در دعاهاى دیگر هم هست در زیارات هست. در دعای ندبه که روزهای جمعه می‌خوانیم هست که انبیاء الهی و اوصیایشان این‌ها به جعل الهی وسیله‌اند إلى الله. به ما توسل می‌کنیم به این‌ها توسل کردن یعنی آنها را وسیله قرار دادن إلى الله. این چیزی است که همه مسلمین قبول دارند. همه مسلمین.

بله یک چند نفری پیدا شدند گفتند بعد از موت دیگر نمی‌شود وسیله قرار داد نبی را و یا امام را بعد از موت. این‌ها یه چند نفری هستند که فعلاً از زمره مسلمین محسوب می‌شوند اما برخلاف همه مسلمین صحبت کرده‌اند و ادله کتاب و سنت و غیرذلک بر خلاف حرف این هاست.



وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكِ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ: امام را خداوند متعال مفترض الطاعة قرار داده است. واجب است اطاعت از امام و حرام است معصیت امام علیه الصلاة و السلام. شما حتی به تنهایی آن وقتی که تنهای تنها هستید، نباید مخالفت بکنید با امر امام و یا نهی امام.

اینجاست که ما می‌گوییم که بحث ما راجع به امامت است نه حکومت. خیلی از مواقع انسان با حاکم وقتش مخالفت می‌کند آن وقتی که خبر به حاکم نمی‌رسد، آن وقتی که انسان جاننش به خطر نمی‌افتد، احیاناً مخالفت می‌کند با حکم حاکم. با حکومت انسان گاهی این چنین رفتار می‌کند. اما بحث ما در امام است نه در حاکم. که نباید خلط کرد.

بحث ما در امام منصوب من قبل الله است که خداوند متعال فرض کرده است واجب کرده است طاعت او را و ما را بر حذر داشته است از معصیت او.

بر حذر داشته یعنی چه؟ یعنی اگر معصیت کنی چنین می‌شود. اگر معصیت کنی این گناه است و عقابش چنان است. طاعت امام واجب است به وجوب الهی و طاعت خداوند متعال.

ممکن است در اصول بخوانیم که اوامر و نواهی وارده در باب اطاعت و معصیت، این‌ها ارشادی هستند. این حمل بر ارشادیت دلیل می‌خواهد و اصل در اوامر و نواهی مولویت است. به هر حال امر شد به اطاعت امام.

حال در اینجا نکته‌ای را عرض می‌کنم که اطاعتی که ما در فارسی می‌گوییم غیر از اطاعتی است که در لغت عرب است. وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ یعنی چه؟

طاعت از طوع است. طوع یعنی اینکه انسان در برابر امام علیه الصلاة و السلام چنان باشد که به هر نحوی او بخواهد در من تصرف کند؛ من در اختیار او باشم. این معنای طوع است.

لذا من در درس‌ها مثال زدیم که: اطاعت در لغت عرب یعنی مثل موم شدن در دست. اگر شما مومی در دست داشته باشید در مشتتان این موم را هر جوری که بخواهید درش می‌آورید. به هر شکلی که بخواهید این موم را در می‌آورید و این موم در اختیار شماست. غیر از این است؟

طوع در لغات عرب اینگونه است. ما در مقابل طاعت امام باید اینگونه باشیم که به هرگونه به هر طوری که صلاح بداند تصرف کند در ما، ما در اختیارش باشیم.

وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ معنایش این است و اشتباه نشود با آنچه که ما در فارسی به آن می‌گوییم. وَحَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ

پس معنای طاعت معلوم شد و خلاصه می‌شود در اینکه ما بی‌اختیار باشیم در برابر اراده امام علیه الصلاة و السلام. ریشه این در کجاست؟ در قرآن مجید.



این حقایق را در کلمات معصومین و در قرآن می‌توانیم پیدا کنیم که در روز اول عرض کردم آنچه را که از ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام داریم، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلّم هم داریم. آنچه را که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلّم و ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام داریم ریشه‌اش در قرآن مجید است.

روز اول گفتیم که قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه و متون اصلیه ما تطابق دارند. اگر کسی غیر از این بگوید نمی‌فهمد اگر کسی غیر از این بگوید نمی‌فهمد و بی‌سواد است. این امور کار لازم دارد. این امور تامل و تدبر لازم دارد. این امور استاد دیدن لازم دارد.

اینکه کسی به تنهایی یک جایی بنشیند و حرف‌هایی بزند و کتاب‌های ما را زیر سؤال ببرد، این حمل بر صحتش این است که نفهمی است.

چرا بر ما واجب است که تسلیم باشیم و بی‌اختیار باشیم در برابر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلّم و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام؟ یعنی در مقابل مقام عصمت. چرا؟ قرآن مجید چه فرمودند؟ که عرض کردم ریشه در قرآن دارد؟ **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.**

تسلیم نباشیم ایمان نداریم. تسلیم نباشیم ایمانمان ایمان نیست **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ.** اگر اختلافی پیش آمد برگردیم و حکم مان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلّم باشد، وقتی حکم کردند، بپذیریم و تسلیم باشیم در مقابل حکمشان.

و از آن طرف دقت کنید اینکه ما می‌گوییم اگر خدا و رسول حکم می‌کردند، خدا و رسول امامی را معین کردند، نصب امام به توسط خدا و رسول شد، امت حق دخالت ندارند و امت باید تسلیم باشند، این آیه مبارکه: **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ.**

کلمه **وَمَا كَانَ** نکته دارد. در قرآن باید تأمل کنیم و بفهمیم قرآن را این همه دستور و تأکید بر تلاوت قرآن چرا؟ آیا بی‌جهت است؟

وَمَا كَانَ یعنی نمی‌شود چنین چیزی به تعبیر من ممکن نیست. **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ.**

بنابراین ریشه دارد و **أَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ** به همان معنایی که عرض کردم در قرآن مجید.

خوب چرا ما باید در برابر امام علیه الصلاة والسلام این چنین باشیم؟ زیرا منصوب من قبل الله است. نائب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلّم است.



در صحاح سنی و شیعی آمده که اگر کسی اطاعت کند امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام را: فقد أطاعنی. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید اگر کسی معصیت کند مخالفت کند با امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام: فقد عصانی. این همان ارتباطی است که عرض کردم.

چه ارتباطی است بین امر و نهی بین پیروی و مخالفت کردن با امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم؟ چه ارتباطی است؟ چون آنچه را که امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام می فرماید کلام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است آنچه را که امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام انجام می دهند فعل رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است. خوب طبیعی است اطاعت به نسبت به امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام می شود اطاعت به نسبت به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم. مخالفت با امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام مخالفت است با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم.

لذا کسانی که به جنگ با امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام برخاستند بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اینها به جنگ با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم برخاستند حقیقتاً و جایی برای برو برگرد نیست کائنا من کان.

و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم هم از آن جهت که رسول الله است، اگر معصیت شود، مخالفت شود، مخالفت با الله است. اطاعت بشود اطاعت با الله است. این هم در قرآن آمده است مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ. وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ. یک واقعیت است. اینها قرآن است. کلام امام سجاد علیه الصلاة والسلام شد قرآن. چرا؟ زیرا ریشه در قرآن دارد. این مفاهیم مفاهیم قرآنی است الآن از امام سجاد علیه الصلاة والسلام داری می خوانیم و می شنویم.

باید امت امتثال امر کنیم و اگر نهی کردن بایستی اجتناب کنیم از آنچه که نهی کردند، باز هم قرآن است وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا.

اینها یک واقعیاتی است و ما در این امور بیشتر باید کار کنیم. اینها هم خداشناسی است هم پیامبرشناسی است امام شناسی است. ما به این مسائل نیاز داریم. و وقتی در این امور وقت بگذاریم دیگر فرصت پیدا می شود که وقتمان را در امور بیهوده دیگر صرف کنیم؟

و خداوند متعال امام را پس از آنکه فرمود که: مبدا کسی بر امام تقدم پیدا کند مبدا کسی از امام تاخر پیدا کند، اینجا باز دقت دارد خودمان را باید بسنجیم و بشناسیم که در کجا هستیم؟

نه باید تقدم بر امام پیدا کنیم و نه باید از امام متأخر باشیم. وَالْأَلَا يَتَقَدَّمُ مَتَّقِدْمًا، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مَتَأَخَّرًا.



این باز یعنی چه؟ این ریشه اش باز در کجاست؟ آیا ریشه می خواهد کلام امام علیه الصلاة و السلام؟ مقام شرح هستیم و تثبیت مطالب هستیم و الا کلام امام علی الرأس والعین. از امام که دلیل نخواهیم خواست. در مقام تثبیت مطالب هستیم آنچه که امام می فرماید کلام خدا است کلام رسول خدا است. می خواهیم تابع خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشیم یا نه؟

نسبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در اول سوره حجرات نهی شده است از تقدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله ورسوله. از جمله محرمات اصلیه اولیه است تقدم بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

همین معنا از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با اهل بیت علیهم الصلاة والسلام آمده است به سند معتبر در کتب فریقین: فلا تقدموهم ولا تعلموهم فانه اعلم منکم.

جلوتر از امام علیه الصلاة والسلام حرف می زنید؟ قبل از امام علیه الصلاة والسلام اظهار نظر می کنید؟ در مقابل حضرت اظهار فضل می کنید؟

آن وقت در زیارت جامعه دقت کنید نه تقدم و نه تأخر فالرأغب عنکم مارق و اللازم لکم لاحق و المقتصر فی حکم زاهق.

سه صورت دارد دیگه سه حالت دارد: یا همراه یا قبل یا بعد متاخر. متاخر نباید باشیم و متقدم هم نباید باشیم بلکه همراه باید باشیم.

حال ریشه این در کجاست؟

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين. معیت از ما خواسته اند. حال بسنجیم ما کجا هستیم؟ آیا معیت داریم؟ و یا چقدر فاصله داریم؟ یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا بشید این چنین باشید مع الصادقين. صادقین چه کسانی هستند؟ محمد و اهل بینه علیهم الصلاة والسلام.

امام رضا علیه الصلاة والسلام چه فرمودند؟ إذا أخذ الناس یمیناً و شمالاً اگر مردم به طرف راست رفتند و یا اگر قومی از آن طرف رفتند، این روایت را داشته باشید حفظش کنید و به آن عمل کنید یا ده اش کنید در خودمان. إذا أخذ الناس یمیناً و شمالاً فالزم طریقتنا بحسب به ما و راه ما. فإن این فا را ما طلبه ها می گوئیم فاء تعلیل. فان من لزمنا لزمناه. آنکه با ما باشد ما با او هستیم آنچه بخواهد با ما باشد ما او را نگه می داریم. اگر با امام باشید امام علیه الصلاة و السلام شما را نگه می دارند رها نمی کنند. فان من لزمنا لزمناه و من فارقنا فارقناه. اگر کسی از ما جدا شد، برود هر جایی که می خواد برود. اگر کسی از ما جدا شد برود هر جایی که می خواهد برود.



این چیزی است که از ما خواستند اگر این چنین باشیم، باز روایاتی داریم. باز روایاتی داریم که اگر این چنین باشید از ما هستید. اگر این چنین باشید در دایره اهل بیت علیهم الصلاة والسلام وارد می‌شوید در دایره اهل بیت علیهم الصلاة والسلام خواهید بود.

سلمان چرا شد منا اهل البیت؟ ما سلمان را احترام می‌کنیم برای چه؟ برای اینکه سلمان از قریش است؟ نخیر. سلمان از بنی هاشم است؟ نخیر. سلمان با ما فامیلی و نسبتی دارد؟ نخیر.

بلکه ما سلمان را دوست داریم و احترام می‌کنیم چرا؟ زیرا شد منا اهل البیت. آن قریشی که جدا شد از اهل بیت علیهم الصلاة والسلام ما او را دوست نداریم. قریشی باشد. آن هاشمی که از اهل بیت علیهم الصلاة والسلام جدا شد ما او را دوست نداریم. هاشمی باشد. میزان اهل بیت علیهم الصلاة والسلام هستند.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته